Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry
Vol. 2/ No. 1/ Spring 2015
Page: 30-41

The Relationship between Emotional Intelligence and Sport Orientation of Higher Athletes Males in Confrontational Sports

Saeed Sadeghi Boroujerdi[1] Jamil Navkhasi[2] Ali Akbar Hossian Nejad[3] Zahra Shasavari[4]

1. Acossociate to Proffessor at University of Kurdistan .Department of Sport science.Sanandaj –Iran
2. PhD student in sport managment at Islamic Azad University - Central Tehran branch.
3. MS in sport psychology at Islamic Azad University – Kraj branch.
4. MS studnt in sport managment at Islamic Azad University – Sanandaj branch. Sanandaj - Iran

Abstract

Introduction: Undoubtedly, social and emotional abilities and competencies are the determinants factors and impact on the quality of social relationships and success in various spheres of life and career.

Objective: This research investigates the relationship between emotional intelligence and sport orientation of male athletes of confrontational sports.

Materials and Methods: The research methodology is measurement descriptive. Statistical population include all the higher male athletes of confrontational sports (Handball, Kungfo, Karate, Footstall, and Basketball) of Kurdistan province.in this regard, 100 cases participated. Statistical methods include Freedman tests, Pierson coefficient and sampling structural equation modeling.

Results: The result showed self-regulation and wining interest, frequent choice of these athlete emotional intelligence and sport orientation components, respectively. Clearly, there is direct/positive significant relationship between emotional intelligence and sport orientation. Also, emotional intelligence can predicts sport orientation.

Conclusion: Based on the findings in this research emotional intelligence one of the most important determinants of sports orientation and the results show that increasing the ability of orientation of the sports setting and the emotional intelligence is dependent on the strength of athletes.

Key words: Emotional Intelligence, Sport Orientation, Higher Athlete, Confrontational Fields.

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1394.2.1.1.3]

مجله روانشناسی و روان پزشکی شناخت
سال دوم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴
صفحات: ۴۱-۳۰

ارتباط بین هوشهیجانی و جهتگیری ورزشی مردان ورزشکار برتر رشتههای برخوردی

سعید صادقی بروجردی[۱]، جمیل ناوخاصی[۲*]، علی اکبر حسین نژاد[۳]، زهرا شهسواری[۴]

۱- دانشیار دانشگاه کردستان، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی.
۲- دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (مؤلف مسئول) . Jamil.navkhasi@yahoo.com
۳- کارشناس ارشد روانشناسی ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.
۴- دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج.

چکیده

مقدمه: بیشک توانمندیها و شایستگیهای اجتماعی و هیجانی از عامل-های تعیین کننده و تأثیرگذار بر کیفیت روابط اجتماعی و موفقیت در حوزه های گوناگون زندگی و حرفه ای بهشمار میروند.

هدف: هدف از این پژوهش بررسی ارتباط بین هوشهیجانی و جهتگیری ورزشی مردان برتر رشته های برخوردی بود.

روش: روش پژوهش توصیفی همبستگی و جامعهٔ آماری آن را کلیهٔ ورزشکاران مرد برتر رشتههای برخوردی (هندبال، کونگفو، کاراته، فوتسال، و بسکتبال) استان کردستان تشکیل میدادند. که بهصورت تمام شمار تعداد ۱۰۰ نفر در این پژوهش شرکت کردند. روشهای آماری شامل آزمونهای فریدمن، همبستگی پیرسون و مدلسازی معادلات ساختاری بود.

یافتهها: یافتهها نشان داد که خودتنظیمی و تمایل به پیروزی به-ترتیب انتخاب غالب ورزشکاران در بین مؤلفههای هوشهیجانی و جهت-گیری ورزشی است. بین هوشهیجانی و جهتگیری ورزشی، رابطهٔ مستقیم و معناداری وجود داشت، همچنین هوشهیجانی، قابلیت پیشبینی جهتگیری ورزشی را دارد.

نتیجهگیری: براساس یافتههای این پژوهش، هوشهیجانی از جمله مهم-ترین عوامل تعیین کننده جهتگیری ورزشی به شمار میرود و نشان می-دهد که افزایش قابلیت جهتگیری در محیطهای ورزشی، تابع توان بالای ورزشکاران در داشتن هوشهیجانی است.

کلید واژهها: هوش هیجانی، جهتگیری ورزشی، ورزشکار برتر، رشتههای برخوردی.

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1394.2.1.1.3]

مقدمه

امروزه علم، به‌قدرت و نفوذ هیجان‌های ذهنی انسان پی‌برده و در حال کشف و تبیین جایگاه هیجان‌ها و احساس‌ها در فعالیت‌ها، رفتارها، حرکت‌ها و شخصیت انسانی است. در حوزهٔ مطالعه‌های هوش نیز سیر مطالعه‌ها از هوش‌منطقی (که بر پایه شناخت استوار است) به سمت هوش‌هیجانی حرکت می کند. هوش‌هیجانی سعی در تشریح و تفسیر جایگاه هیجان‌ها و احساس‌ها در توانمندی‌های انسانی دارد (مختاری‌پور، ۱۳۸۵). به اعتقاد پژوهشگران هوش-هیجانی، مهارتی است که دارندهٔ آن می‌تواند از طریق خودآگاهی، روحیات خود را کنترل کند، با خودمدیریتی آن را بهبود بخشد، به وسیله هم‌دلی تأثیر آن‌ها را درک کند و از طریق مدیریت روابط به شیوه‌ای رفتار کند که روحیه خود و دیگران را بالا ببرد (دوستدار و خائف، ۱۳۸۲).

گلمن[1] (۱۹۹۸) هوش‌هیجانی را این‌گونه تعریف می‌کند: عاملی است که ظرفیت انسان را در شناخت احساسات خود و دیگران تعیین و کمک می‌کند تا در خود ایجاد انگیزش کرده و هیجانات خود را کنترل و روابط خود با دیگران را بر این اساس، پی‌ریزی کند. در ادامه وی ۸۰ درصد موفقیت‌های افراد را وابسته به هوش-هیجانی و تنها ۲۰ درصد مابقی را برگرفته از بهرهٔ هوشی می‌داند. از آن‌جا که یکی از حوزه‌های موفقیت فردی، موفقیت در عرصه ورزش است، مربیان بر لزوم موفقیت ورزشکاران تأکید می‌ورزند. اما آیا تنها وجود ذهنی قوی و آشنا با مهارت‌ها، موفقیت در ورزش را تضمین می کند؟ امروزه پژوهشگران با توسل به نظریه هوش‌هیجانی درصدد تعیین و پیش‌بینی موفقیت‌های ورزشی افراد ورزشکار هستند. علاوه بر آن، یکی از ابعاد مورد بررسی در زمینه موفقیت، انگیزش ورزشکاران برای شرکت در فعالیت‌ها و رقابت‌های ورزشی است (گیل[2]، ۲۰۰۰).

باومن و همکاران[3] (۲۰۰۱) جهت‌گیری ورزشی را میل به مسابقه یا تمایل به‌پیروزی تعریف کرده‌اند که براساس آن ورزشکاران هدف‌هایی را در طول رقابت بر می‌گزینند و برای دستیابی به آن تلاش می-کنند. افراد براساس جهت‌گیری ورزشی که اتخاذ می‌کنند، با دلایل متفاوتی در فعالیت‌های ورزشی و جسمانی درگیر شده و با روش‌های گوناگون در موقعیت‌های مختلف برانگیخته می‌شوند. (فینکنبرگ، مودی و دینوسی[4]، ۱۹۹۸). بنابراین آگاهی از این که چرا بعضی افراد انگیزش زیادی برای دستیابی به اهداف خود دارند و برخی دیگر این‌گونه نیستند، حائز اهمیت است. مبانی نظری جهت‌گیری ورزشی از نظریه اهداف پیشرفت نشأت می‌گیرد. یکی از نظریه‌های که در سال‌های اخیر برای تبیین شناخت، انگیزش و عواطف افراد در موقعیت‌های مختلف توسط روان‌شناسان ارائه شده، نظریه اهداف پیشرفت است. این نظریه هم عوامل شخصی

1.Golman

2 .Gill
3 .Bowman & et al
4 .Finkenberg, Moode & Dinnucci

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1394.2.1.1.3]

(ادراکات، ارزش‌ها و عواطف) و هم عوامل موقعیتی را مورد توجه قرار می‌دهد. هم‌چنین نظریه اهداف پیشرفت مدلی را پیشنهاد می‌کند که می‌تواند بر مبنای آن درگیری‌های شناختی و رفتاری افراد را که در سطوح مختلف و به اشکال گوناگون صورت می‌گیرد، توجیه نمود (بارون و پارکر[5]، ۲۰۰۰). موری[6] در سال ۱۹۳۸ (به نقل از گیل و دیتر[7]، ۱۹۹۸) ابتدا انگیزهٔ پیشرفت را به عنوان عامل شخصیتی مطرح و آن را نیاز به رسیدن به آرزو تعریف کرد. اتکینسون[8] در سال ۱۹۷۴ (به نقل از گیل و دیتر، ۱۹۹۸) و با گسترش کار موری، انگیزه پیشرفت را به عنوان ترکیبی از دو سازهٔ شخصیتی (انگیزه برای کسب موفقیت و انگیزهٔ اجتناب از شکست) تعریف کرد. این دو انگیزه در همهٔ افراد وجود دارد، امّا همهٔ ما به یک اندازه از این دو انگیزه برخوردار نیستیم و عامل شخصیتی کلیدی در تفاوت بین این دو انگیزه است (گاردنر[9]، ۲۰۰۱). از میان عوامل دخیل در کسب موفقیت حرفه‌ای، توجه به هوش‌هیجانی و بررسی آن در ورزشکاران ضرورتی اساسی دارد (شعبانی بهار، یعقوبی و فاروقی، ۱۳۸۹). در واقع، هیجان و چگونگی کنار آمدن افراد با آن، بخشی از شخصیت آدمی است که بر عملکرد فرد تأثیر می‌گذارد. با این همه بسیاری از ورزشکاران به دلیل پیچیدگی حالت‌های هیجانی، نمی‌دانند که در کدام صفت قوی هستند و چه نقاط ضعفی دارند. توانائی درک، استنباط و به کارگیری مهارت‌های هیجانی در افراد متفاوت است و این مجموعه از سطح هشیاری، هوش‌هیجانی فرد را تشکیل می‌دهد و در عملکرد فرد سهم بسزایی دارد (کرابی[10]، ۲۰۰۷). از طرفی، ابعاد جهت‌گیری ورزشی و انگیزه‌های رقابتی رابطه نزدیکی در ارتباط با شناسایی انگیزه‌های مختلف رقابتی ورزشکاران و جهت‌دهی صحیح ورزشی و بهبود عملکرد ورزشکاران دارند و مطمئناً ورزشکاران برتر نیز که همواره درپی کسب موفقیت و برتری هستند از این قاعده مستثنی نیستند کما این‌که اهمیت این عوامل در موفقیت آن‌ها به نسبت ورزشکاران آماتور نیز بیشتر باشد. علاوه بر آن با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در این زمینه پژوهشی که به طور مستقیم به آزمون ارتباط بین این دو متغیر پرداخته باشد، یافت نشد. هم‌چنین پژوهش‌های قبلی انجام شده در بعضی موارد هم دیگر را تأیید و یا رد نموده‌اند. از این‌رو مسئله اصلی، نبود آگاهی از ارتباط بین هوش‌هیجانی و جهت‌گیری ورزشی است. با نگاهی به نوع، ماهیت فعالیت و محیطی که ورزشکاران در آن به فعالیت می‌پردازند، به‌دست آوردن و کسب اطلاعات در این زمینه می تواند مورد استفاده روان‌شناسان ورزشی، مربیان و مدرسان کلاس‌های مربیگری قرار گیرد. بنابراین با توجه به اهمیت موارد ذکر شده هدف این

5 .Bar-on & Parker
6 .Muri
7 .Gill & Deeter
8 .Etcitson
9 .Gardner
10 .Crabbe

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1394.2.1.1.3]

پژوهش بررسی ارتباط هوش-هیجانی با جهت‌گیری ورزشی مردان ورزشکار برتر رشته‌های برخوردی است.

الیاسی، صداقتی و صلاحیان (۲۰۱۱) به بررسی رابطه هوش-هیجانی و جهت‌گیری در بین ورزشکاران رشته‌های تیمی و انفرادی پرداختند. آن‌ها دریافتند که رابطه مثبت و معناداری بین هوش‌هیجانی و جهت‌گیری و هم‌چنین رابطه معناداری بین بعد رقابتی و هدف‌گزینی با هوش‌هیجانی وجود دارد، اما رابطه معناداری بین بردگرایی و هوش‌هیجانی وجود ندارد. موناسیس، استاردا، سیناترا، تانسی و دیپاولو[11] (۲۰۱۳) در بررسی خودانگیزشی، حمایت ورزشی و جهت‌گیری ورزشی به این نتیجه دست یافتند که، جنسیت و نوع ورزش (تیمی و انفرادی) بر جهت‌گیری ورزشی اثر مستقیم دارند.

کج بافنژاد، احدی، حیدری، عسکری و عنایتی (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان تفاوت ورزش‌های تیمی و انفرادی از حیث مهارت‌های روانی، هوش-هیجانی و موفقیت ورزشکاران بیان داشتند که بین دو گروه (ورزش‌های تیمی و انفرادی) در مهارت‌های روانی و انگیزش موفقیت تفاوت معناداری وجود دارد، اما تفاوت معناداری بین دو گروه فوق از حیث هوش‌هیجانی یافت نشد.

ابوالقاسمی، کیامرتی و سهرابی (۱۳۹۲) در پژوهشی ارتباط جهت‌گیری هدف، خود-کارآمدی و هیجان‌های مثبت و منفی را با عملکرد ورزشی و رضایت از زندگی در وشوکاران دختر بررسی کردند. آن‌ها یافتند که بین جهت‌گیری هدف و خود کارآمدی با عملکرد ورزشی همبستگی مثبتی وجود دارد، هم‌چنین نتایج رگرسیون چندگانه حاکی از آن بود که متغیره‌های خود کارآمدی و جهت‌گیری هدف، اضطراب رقابتی و عواطف مثبت و منفی، ۱۹ درصد از عملکرد ورزشی و ۳۸ درصد از رضایت از زندگی را تبیین می کنند.

سید عامری، سعیدی و منافی (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی رابطه هوش‌هیجانی و موفقیت ورزشی ورزشکاران رشته‌های تیمی پرداختند و نشان دادند که ارتباط مثبت و معناداری بین هوش‌هیجانی و موفقیت ورزشی وجود دارد. هم چنین بین تمام مولفه های هوش-هیجانی (خودآگاهی، خودآگاهی اجتماعی، مدیریت خود، مهارت‌های اجتماعی و خود-انگیزیی) با موفقیت ورزشی نیز ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد و در رتبه‌بندی مولفه‌های هوش‌هیجانی، خود-آگاهی در اولویت اول قرار دارد.

جمشیدی، حسینی، ساجدی، سفری و زری (۲۰۱۱) ارتباط جهت‌گیری ورزشی و اضطراب رقابتی را در ورزشکاران بررسی کردند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد، جهت‌گیری ورزشی اضطراب رقابتی را پیش‌بینی می‌کند؛ مردان ورزشکار رقابت طلبتر و تمایل به پیروزی بیشتری نسبت به زنان ورزشکار داشتند، در حالی که زنان ورزشکار هدف‌گراتر از مردان ورزشکار بودند. هم‌چنین بین جهت‌گیری ورزشی ورزشکاران رشته‌های تیمی و انفرادی تفاوت معناداری مشاهده نشد. شعبانی بهار، یعقوبی و

11.Monacis, Estrada, Sinastra, Tanucci & Depalo

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1394.2.1.1.3]

فاروقی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان ارتباط هوش‌هیجانی و عملکرد ورزشی ورزشکاران به این نتیجه رسیدند که، بین هوش‌هیجانی و عملکرد ورزشی ورزشکاران رشته‌های انفرادی و گروهی ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد. هم چنین نتایج نشان داد ورزشکاران رشته‌های انفرادی و گروهی، به طور کلی در میزان هوش‌هیجانی تفاوت معناداری با هم ندارند.

سلطانی‌فرد، شریفی‌درآمدی و عسکریان (۱۳۸۷) کمال‌گرایی و هوش‌هیجانی را در ورزشکاران مرد رابطه سنجی کردند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که، بین هوش‌هیجانی و مولفه‌های آن با کمال‌گرایی ورزشکاران رابطه معناداری وجود دارد.

اصلانخانی، شمس و شمسی‌پور دهکردی (۱۳۸۷) هوش‌هیجانی و عوامل شخصیتی را در ورزشکاران بزرگ نخبه و غیر-نخبه بررسی کردند و به این نتیجه دست یافتند که، بین صفات شخصیتی برون‌گرایی، وظیفه‌شناسی، کسب تجربه و سازش یافتگی با هوش‌هیجانی در ورزشکاران نخبه نسبت به ورزشکاران غیرنخبه همبستگی مثبت و بالاتری وجود دارد. نوربخش، ضرغامی و حسنی (۱۳۸۵) جهت‌گیری ورزشی را در بین دانشجویان دختر و پسر ورزشکار رشته‌های انفرادی و گروهی و رابطه آن با انگیزه‌های رقابتی بررسی کردند. آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که بین ابعاد جهت‌گیری ورزشی دانشجویان ورزشکار دختر و پسر تفاوت معناداری وجود ندارد، اگر چه در ابعاد رقابت طلبی و هدفچینی دانشجویان ورزشکار رشته‌های گروهی نسبت به رشته‌های انفرادی برتری داشتند. هم‌چنین بین ابعاد جهت‌گیری ورزشی و انگیزه‌های رقابتی رابطه معنادار و مثبتی وجود داشت.

روش بررسی

روش پژوهش از نوع توصیفی همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش را ورزشکاران برتر رشته‌های برخوردی (هندبال، کونگفو، کاراته، فوتسال، و بسکتبال) استان کردستان تشکیل می‌دادند که جزو تیم‌های استانی انتخاب شده بودند.که به صورت تمام شمار تعداد ۱۰۰ نفر در پژوهش شرکت کردند. به منظور گردآوری اطلاعات از دو پرسش-نامه هوش‌هیجانی لان و همکاران[12] (۲۰۰۹) که شش عامل ارزیابی احساسات خود، ارزیابی احساسات دیگران، خودتنظیمی، مهارت‌های اجتماعی، به کارگیری عواطف و خوشبینی را می‌سنجد و حاوی ۳۳ سوال ۵ گزینه‌ای، براساس طیف لیکرت است و جهت‌گیری ورزشی گیل و دیتر (۱۹۹۸) که شامل ۲۵ سوال و سه مولفه رقابت طلبی، بردگرایی و هدف چینی را بر روی مقیاس پنج درجه ای لیکرت مورد سنجش قرار می‌دهد استفاده شد. روایی صوری و محتوایی ابزار، توسط پنج تن از اساتید روان‌شناسی ورزشی بررسی و پس از اصلاحات، تأیید شد. پایایی ابزار نیز در یک مطالعه راهنما با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ برای پرسشنامه‌های هوش‌هیجانی برابر با ۰/۹۰ = α و جهت‌گیری ورزشی برابر با

12 .Lane & et al

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1394.2.1.1.3]

۰/۹۱= α به‌دست آمد. در ادامه اطلاعات به‌دست آمده از آمار توصیفی و آمار استنباطی آزمون فریدمن، همبستگی پیرسون و مدل‌سازی معادلات ساختاری با پی‌ال‌اس[13] در سطح p ≤۰/۰۵ تجزیه و تحلیل شد.

تجزیه و تحلیل

نتایج بررسی مشخصات فردی نشان داد که از ۱۰۰ ورزشکار تحت بررسی ۶۴ درصد مجرد و ۳۶ درصد متأهل بودند. همچنین به لحاظ تحصیلات، ۶ درصد از ورزشکاران تحصیلات زیردیپلم، ۴۱ درصد دیپلم، ۱۲ درصد کاردانی، ۳۲ درصد کارشناسی و ۹ درصد هم تحصیلات کارشناسی‌ارشد و بالاتر داشتند.

با توجه به این‌که سطح معناداری آزمون تحلیل واریانس فریدمن کوچکتر از میزان خطاست، در نتیجه با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که بین شش بعد هوش‌هیجانی ورزشکاران تفاوت معناداری وجود داشت (جدول ۱). همان‌گونه که مشاهده می‌شود خودتنظیمی، مهارت اجتماعی و به‌کارگیری عواطف به ترتیب بهترین رتبه و عامل ارزیابی احساسات دیگران کم‌ترین رتبه را دارا هستند (جدول ۲).

جدول ۱: نتیجه آزمون تحلیل واریانس فریدمن

کای‌دو	سطح معناداری	میزان خطا	نتیجه
۰۲۱/ ۴۸	۰/۰۰۱	۰/۰۵	تفاوت معناداری وجود دارد

جدول ۲: اولویت‌بندی مؤلفه‌های هوش‌هیجانی

رتبه	مؤلفه‌ها	میانگین‌رتبه‌ای
اول	خودتنظیمی	۳/۹۲
دوم	مهارت‌اجتماعی	۳/۸۴
سوم	به‌کارگیری عواطف	۳/۷۶
چهارم	خوش‌بینی	۳/۵۸
پنجم	ارزیابی احساسات خود	۳/۵۵
ششم	ارزیابی احساسات دیگران	۲/۳۷

همچنین با توجه به‌تفاوت معناداری که در ابعاد جهت‌گیری ورزشی ورزشکاران به‌دست آمد (جدول ۳). در اولویت‌بندی نیز تمایل‌به‌پیروزی در رتبه اول رقابت‌طلبی در رتبه دوم و هدفگزینی در رتبه سوم قرار داشتند (جدول ٤).

جدول ۳: نتیجه آزمون تحلیل واریانس فریدمن

کای دو	سطح معناداری	میزان خطا	نتیجه
۲۳/۲۲۹	۰/۰۰۱	۰/۰۵	تفاوت معناداری وجود دارد

جدول ۴: اولویت‌بندی مؤلفه‌های جهت‌گیری ورزشی

رتبه	مؤلفه‌ها	میانگین‌رتبه‌ای
اول	تمایل به پیروزی	۲/۳۲
دوم	رقابت‌طلبی	۲/۰۳
سوم	هدفگزینی	۱/۶۶

با در نظر گرفتن سطح معناداری به‌دست آمده از طریق آزمون ضریب همبستگی پیرسون، بین هوش‌هیجانی با جهت‌گیری ورزشی، رقابت‌طلبی و تمایل به پیروزی ارتباط معناداری وجود داشت، این در حالی است که بین هوش‌هیجانی

13 .PLS

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1394.2.1.1.3]

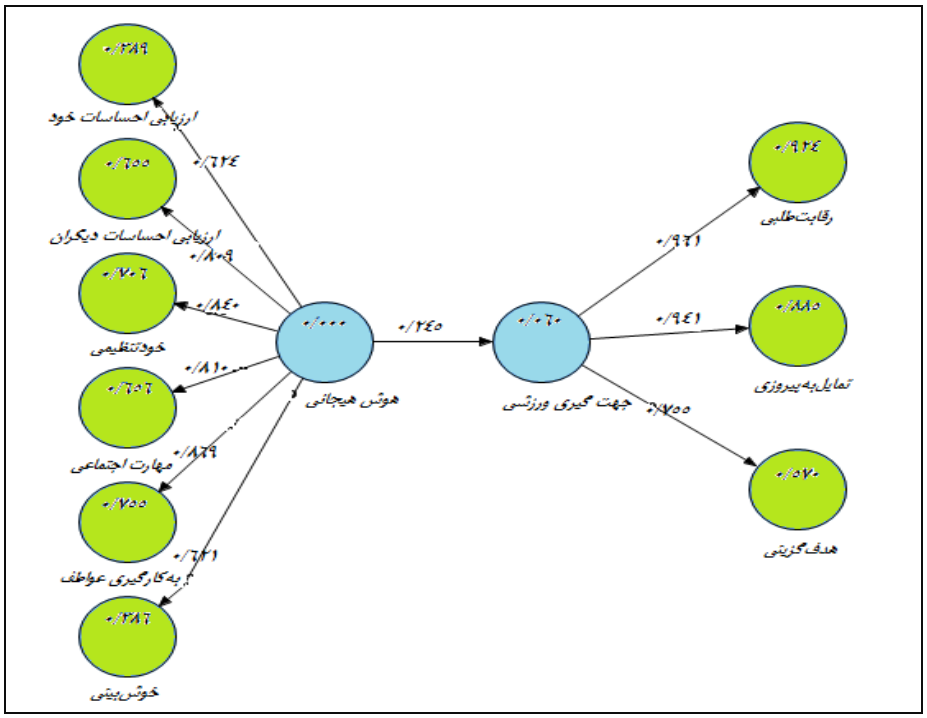
و هدفگرایی ارتباط معناداری وجود نداشت (جدول ۵).

جدول ۵: توصیف همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر		جهت-گیری	رقابت-طلبی	تمایل-به-	هدف-گرایی
		۲۳۴	۲۳۱	۲۰۶	
هوش-هیجانی	r	۰/	۰/	۰/	۰/۱۹۵
	sig	۰۱۹	۰۲۱	۰۴۰	۰/۰۵۲
		۰/	۰/	۰/	

ارائهٔ مدل

در این تحقیق از نرم‌افزار پی‌ال‌اس که از مزیت‌های بالاتری نسبت به نرم افزارهای نسل اول برخوردار است استفاده شد. مدل‌سازی معادلات ساختاری با این نرم-افزار نسل دوم مدل‌سازی معادلات ساختاری است و در مقایسه با روش‌های نسل اول که کواریانس محور بودند مزیت‌های را دارا است. مهم-ترین دلیل، برتری این روش برای نمونه‌های کوچک ذکر شده است. دلیل بعدی داده‌های غیرنرمال می باشد که پژوهش-گران در برخی پژوهش‌ها با آن روبرو می‌شوند. در نهایت دلیل آخر استفاده از این روش، سروکار داشتن با مدل-های اندازه‌گیری از نوع سازنده است (داوری و رضا-زاده، ۱۳۹۲). براساس ضریب استاندارد شده مسیر میان هوش‌هیجانی و جهت‌گیری ورزشی در شکل ۱، هوش هیجانی به میزان ۰/۲۴ درصد از تغییرات متغیر جهت‌گیری ورزشی را تبیین می‌کند.



شکل۱: خروجی نرم افزار پی‌ال‌اس در حالت استاندارد رابطه علی بین هوش‌هیجانی و جهت‌گیری ورزشی

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1394.2.1.1.3]

جدول ۵: نتایج شاخص های برازش مدل

متغیرهای مکنون	ضریب آلفای کرونباخ (α>۰/۷)	ضریب پایایی ترکیبی (α>۰/۷)	میانگین واریانس استخراجی (AVE>۰/٤)	قدرت پیش-بینی مدل	معیار R^2
هوش‌هیجانی	۰/۹۰	۰/۹۲	۰/۳٤	--	--
ارزیابی احساسات خود	۰/٦٦	۰/۸۱	۰/٥۹	۰/۲۲	/۳۸۹ ۰
ارزیابی احساسات دیگران	۰/۷٤	۰/۸۳	۰/٤۹	۰/۳۲	/٦٥٥ ۰
خودتنظیمی	۰/٦٦	۰/۸۱	۰/٥۹	۰/۳۹	/۷۰٦ ۰
مهارت اجتماعی	۰/٦٤	۰/۸۰	۰/٥۸	۰/۳۸	/٦٥٦ ۰
به‌کارگیری عواطف	۰/۷۷	۰/۸٤	۰/٥۳	۰/٥۳	/۷٥٥ ۰
خوش‌بینی	۰/۷۷	۰/۸٦	۰/٦۸	۰/۲۷	/۳۸٦ ۰
جهت‌گیری ورزشی	۰/۹۱	۰/۹۲	۰/٤۰	۰/۰۲	/۰٦۰ ۰
رقابت‌طلبی	۰/۸٥	۰/۸۸	۰/٤٤	۰/٤۰	/۹۲٤ ۰
تمایل‌به-پیروزی	۰/۸۰	۰/۸٦	۰/٥۰	۰/٤٥	/۸۸٥ ۰
هدفگزینی	۰/٦۳	۰/۸۰	۰/٥۷	۰/۳۳	/٥۷۰ ۰

مطابق با شاخص‌های ارائهٔ شده در جدول ۴، وضعیت ضریب آلفای کرونباخ و ضریب پایایی ترکیبی همهٔ متغیرهای پژوهش مناسب بود اما در بررسی میانگین واریانس استخراجی، هوش‌هیجانی وضعیت ضعیفی داشت. به لحاظ شاخص قدرت پیش‌بینی مدل، که توسط ولد[14] (۱۹۷۴) معرفی شد و هنسلر، رینگل و سینوکویس[15] (۲۰۰۹) در مورد شدت آن سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را تعیین نموده اند، تنها سازه درون‌زای جهت‌گیری قدرت پیش-بینی ضعیفی داشت. براساس شاخص آردو یا شاخصی که برای متصل کردن بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل‌سازی معادلات ساختاری به کار می‌رود و نشان از تأثیر متغیر برون‌زا بر متغیردرون‌زا دارد تنها سازه جهت‌گیری ورزشی از مقدار آردو ضعیفی برخوردار بود چرا که چین[16] (۱۹۹۸) سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ را به عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای این شاخص لحاظ کرد و براین اساس مشخص ساخت که، هر چه مقدار آردو مربوط به سازهای درون‌زای یک مدل بیشتر باشد، آن مدل برازش بهتری دارد. لازم به ذکر است که مقدار (R^2)، تنها برای سازه‌های درون‌زای (ملاک) مدل محاسبه می‌گردد و در مورد سازه‌های برون‌زا، مقدار این معیار صفر است.

بحث

به طور کلی، هوش‌هیجانی به مثابه سازه ای معتبر و اثربخش در روان‌شناسی عمومی و بخش‌های دیگر از جمله

14 .Wold
15 .Henseler, Ringle & Sinkovics
16 .Chin

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1394.2.1.1.3]

مدیریت و روان‌شناسی سازمانی است. از طرف دیگر حوزه ورزش، به ویژه روان‌شناسی ورزش نیز با استفاده از این سازه توانسته است خدمات و تحولی را در زمینه روابط فردی و بین‌فردی مربیان، ورزشکاران، داوران، مدیران ورزشی و جزء آن با هم دیگر ایجاد کند. گسترش روز افزون پژوهش‌های هوش‌هیجانی در حوزه‌های مختلف ورزش مؤید این موضوع است. از این‌رو در این پژوهش رابطه هوش‌هیجانی با جهت‌گیری ورزشی مردان ورزشکار برتر رشته‌های برخوردی مورد آزمون و بررسی قرار گرفت. در ابتدا نتایج آزمون فریدمن برای مؤلفه‌های هوش‌هیجانی نشان داد که ورزشکاران خودتنظیمی را با میانگین ۳/۹۲ انتخاب اول خود می‌دانند و در ادامه به ارزیابی احساسات خود و ارزیابی احساسات دیگران به ترتیب با میانگین‌های ۳/۵۵ و ۲/۳۷ کم‌ترین توجه را دارند. نتایج پژوهش در این زمینه با یافته‌های سید عامری و همکاران (۱۳۹۱) هم‌خوانی ندارد. آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که در رتبه‌بندی مؤلفه‌های هوش‌هیجانی، مؤلفهٔ خودآگاهی در اولویت اول قرار دارد و با توجه به این‌که این مؤلفه اساس هوش‌هیجانی است، افرادی که نسبت به شناخت عواطف خود اطمینان بیشتری دارند و ضعف‌ها و قدرت‌های خود را می‌شناسند، خودارزیابی واقعی دارند و دارای حسی قوی از شایستگی‌های خویش هستند؛ بنابراین بهتر می‌توانند عواطف‌شان را هدایت کرده و در زمینهٔ اتخاذ تصمیم‌ها اعتماد بیشتری دارند. در تفسیر این موضوع نخست به طبقه‌بندی ابعاد هوش‌هیجانی گلمن (۱۹۹۸) بایستی اشاره کرد، وی این ابعاد را در دو طبقه فردی و اجتماعی دسته‌بندی می‌کند و براین اساس بعدهای خودآگاهی، خودتنظیمی و خودانگیختگی را جزء دسته ابعاد فردی و بعدهای همدلی و مهارت‌های اجتماعی را جزء دسته ابعاد اجتماعی لحاظ می‌کند. از این‌رو می‌توان گفت که زمانی خود تنظیمی یا به واقع مدیریت حس شناخته شده حالت جدی‌تر به خود می‌گیرد که خودآگاهی از پیش شکل گرفته باشد، بنابراین می‌توان گفت که این دو خود علت و معلول هم هستند، به واقع به اعتقاد پژوهشگر وجه تفاوت نتیجه این پژوهش با پژوهش ذکر شده جامعه آماری آن است که ممکن است این تفاوت ناشی از آن شکل گرفته باشد، چراکه دور از انتظار نیست که ورزشکار یا ورزشکاران برتر به لطف توانمندی که دارند یک گام فراتر از دیگر ورزشکارانی باشند که در سطح آماتوری به ورزش می‌پردازند، کما این‌که این حالت می‌تواند سبب موفقیت آن‌ها در میادین ورزشی نیز گشته باشد. نتایج نشان داد که میل به‌شکست حریفان در نزد ورزشکاران برتر مرد رشته‌های برخوردی بسیار مهمتر از پیشرفت در مهارت‌های ورزشی، رقابت‌طلبی، تعیین و تدوین هدف است؛ چرا‌که در نتیجه آزمون رتبه‌بندی فریدمن تمایل‌به‌پیروزی با میانگین برابر۲/۳۲ بیشترین نمره را به خود اختصاص داده است. نتیجه به دست آمده در این پژوهش تا حدود زیادی با نتیجه پژوهش جمشیدی و

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1394.2.1.1.3]

همکاران (۲۰۱۱) هم‌خوانی دارد، با این تفاوت که در پژوهش ذکر شده این نتیجه در مقایسه تفاوت بین مردان و زنان ورزشکار به دست آمده است. در واقع تمایل به پیروزی، اشتیاق فرد برای پیروزی از طریق مقایسه‌های بین فردی است و می‌توان گفت اگر تمایل به پیروزی مهم‌ترین عامل برای بازیکنان یک تیم ورزشی باشد، رقابت درون‌گروهی خیلی جدی و سخت خواهد بود و در نتیجه تأثیرات روان‌شناختی ورزشی زیان‌باری را به‌همراه خواهد داشت (دانیلز و همکاران، ۲۰۰۵). هر چند که گیل و همکارانش نیز بین مؤلفه‌های جهت‌گیری ورزشی تفاوت قائل شدند. به‌زعم آن‌ها ورزشکارانی که متمایل به پیروزی هستند، دوست دارند برنده شوند و از بازنده شدن در ورزش دوری می‌کنند، آن‌ها موفقیت را نسبت به دیگران ارزیابی می‌کنند (فینکنبرگ و همکاران، ۱۹۹۸). نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین هوش‌هیجانی و جهت‌گیری ورزشی مردان ورزشکار برتر رشته‌های برخوردی رابطه مستقیم معناداری وجود دارد. یافته‌ها گویای این مطلب است که با افزایش میزان هوش‌هیجانی ورزشکاران، احتمال به کار بستن جهت‌گیری ورزشی افزایش می‌یابد و برعکس. این یافته‌ها با نتایج الیاسی و همکاران (۲۰۱۱) هم‌خوانی دارد. شاید این امر به این دلیل باشد که افرادی که از هوش‌هیجانی بالایی برخوردار هستند، با انرژی بیشتری عملکرد خود را برای رسیدن به‌هدف دنبال می کنند که در تصدیق این ادعا می توان به نتیجه پژوهش شعبانی بهار و همکاران (۱۳۹۱) اشاره کرد که در بررسی خود مشخص ساختند بین هوش‌هیجانی و عملکرد ورزشی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. از طرفی احتمال این که هوش‌هیجانی موجبات کمال‌گرایی ورزشکاران را فراهم کند با توجه به نتیجه پژوهش سلطانی فرد و همکاران (۱۳۸۷) وجود دارد. هر چند که اصلانخانی و همکاران (۱۳۸۷) نیز به این نتیجه دست یافتند که مقدار هوش‌هیجانی در ورزشکاران نخبه نسبت به ورزشکاران غیر‌نخبه بیشتر است.

از میان مؤلفه‌های جهت‌گیری ورزشی، رقابت‌طلبی بیشترین همبستگی را با هوش‌هیجانی دارد. این یافته با نتیجه پژوهش الیاسی و همکاران (۲۰۱۱) هم‌خوانی دارد. به‌واقع رقابت‌طلبی، آمادگی و گرایش فرد برای کسب رضایت و خشنودی در رقابت‌ها را بیان می‌کند. در این رابطه اتکینسون در نظریه انگیزش پیشرفت خود بیان می‌کند که انگیزش پیشرفت را گرایش‌های برایند یا رفتاری، واکنش‌های هیجانی و رفتار پیشرفتی یا موفقیت تشکیل می دهند. این نظریه در موقعیت‌های که احتمال برنده شدن پنجاه پنجاه (۵۰/۵۰) است، بیشتر صادق است. در این شرایط افراد بسیار پیشرفت‌گرا به دنبال مبارزه طلبی در این موقعیت هستند، زیرا از رقابت با افراد هم‌سطح خود لذت می‌برند، در حالی که افراد غیرپیشرفت‌گرا از مبارزه‌طلبی اجتناب می‌ورزند و به دنبال کسب موفقیت در انجام تکلیف ساده‌ترند. بنابراین ورزشکارانی که

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1394.2.1.1.3]

دارای انگیزش پیشرفت سطح بالایی هستند، نسبت به ورزشکارانی که انگیزش پیشرفت سطح بالایی ندارند، خود را تواناتر تصور می‌کنند و در نتیجه بیشتر کوشش می‌کنند و به نظر می‌رسد زمانی که رقابت‌طلبی ورزشکاران بیشتر باشد، افراد اعتماد به نفس و آمادگی بیشتری دارند، بنابراین احتمال این‌که این قابلیت‌ها یا تصورات مثبت از سطح بالای هوش‌هیجانی ورزشکاران حاصل شده باشد وجود دارد، چرا که یکی از عوامل موفقیت و ارتقاء سطح عملکرد ورزشکاران، به ویژه ورزشکاران نخبه و برتر همانا هوش‌هیجانی بالای آن‌ها می تواند باشد. هم‌چنین در نتایج مشخص گردید که بعد تمایل به پیروزی متغیر جهت‌گیری ورزشی با هوش‌هیجانی ارتباط مثبت و معناداری دارد، این در حالی است که نتیجه پژوهش الیاسی و همکاران (۲۰۱۱) این یافته را تأیید نمی‌کند. اما در ادامه مشخص گردید که بین بعد هدفگرایی و هوش‌هیجانی رابطه معناداری به حیث آماری وجود ندارد. به اعتقاد پژوهشگر در وهله نخست نوع ورزش‌های که در این پژوهش به کار گرفته شدند خود می‌تواند دلیل این عدم معناداری شده باشد، چرا که در تصدیق این ادعا موناسیس و همکاران (۲۰۱۳) به این نتیجه دست یافتند که جنسیت و نوع ورزش به‌طور مستقیم بر جهت‌گیری اثر گذار می‌باشد. هر چند که این عدم معناداری در محدودهٔ کاملاً نزدیک به سطح معناداری به دست آمده است، بنابراین این نوع تعمیم یافتگی نیز خود می تواند جای سوال داشته باشد. در ادامه نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان داد که هوش‌هیجانی تأثیر معناداری بر جهت‌گیری ورزشی دارد. هم چنین براساس ضریب استاندارد شده مسیر، هوش‌هیجانی به‌میزان ۰/۲۴ درصد از تغییرات متغیر جهت‌گیری ورزشی را تبیین می کند. این در حالی است که بعد به‌کارگیری عواطف و بعد رقابت‌طلبی به ترتیب برای متغیرهای هوش‌هیجانی و جهت‌گیری ورزشی بیشترین توان پیش‌بینی تغییرات متغیرهای خود را دارا بودند. از این رو با توجه به این که مدل ارائه شده تنها با استفاده از مبانی نظری پژوهش حاضر اقتباس شده، نوع راهبردی مدل‌سازی به کار گرفته شده، راهبرد از نوع تأیید مدل است و با توجه به معیارهای برازش، مدل ارائه شده پژوهش حاضر تقریباً از برازش مناسبی برخودار است، از این رو بستری فراهم می‌گردد که سایر پژوهشگران بتوانند در آینده با استفاده از این مدل پایه، به توسعه آن بپردازند. شایان توضیح است که جهت‌گیری ورزشی ورزشکاران با توجه به نوع رشته ورزشی و حتی نوع جنسیت متفاوت بوده و تابع متغیرهای پیشگوی دیگری نیز است، از‌این‌رو این موضوع می تواند محدودیتی در تعمیم نتایج این پژوهش به دیگر رشته‌ها باشد. هم چنین با توجه به این‌که سطح تحصیلات ورزشکاران در این پژوهش متفاوت بود. ازاین‌رو نتایج برخاسته از آن نیز می‌تواند محدودیت‌های برای نتایج پژوهش حاضر عنوان شود. در انتها پیشنهاد می شود، به منظور

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1394.2.1.1.3]

افزایش قابلیت تعمیم‌پذیری نتایج پژوهش، تعداد ورزشکاران بیشتری به تفکیک جنسیت، سطح تحصیلات و هم چنین نوع رشته آن‌ها در پژوهش‌های آتی بررسی شود.

نتیجه‌گیری

مطابق با نتایج پژوهش حاضر به نظر می‌رسد هوش-هیجانی ورزشکاران در جهت-گیری ورزشی آن‌ها تأثیر می-گذارد و باعث تغییر در میزان و شدت آن می‌شود. بنابراین، هوش‌هیجانی از جمله مهم‌ترین عوامل تعیین کننده جهت‌گیری ورزشی به شمار می‌رود و نشان می‌دهد که افزایش قابلیت جهت‌گیری در محیط‌های ورزشی، تابع توان بالای ورزشکاران در داشتن هوش‌هیجانی است.

References

Abolqasemi, A., Kyamrty, M., & Sohrabi, Z. (2013). **Relationship goal orientation, self-efficacy and positive and negative emotions of sports performance and life satisfaction in Washing female athletes.** Studies sports psychology, (4), 25-38.

Aslankhani, M., Shams, A. M. & Shamsipour, dehkordi, B. (2008). **The relationship between emotional intelligence and personality factors in adult athletes, elite and non-elite.** Journal of human movement. (1), 3-11.

Bar-On, R. E., & Parker, J. D. (2000). **The handbook of emotional intelligence: Theory, development, assessment, and application at home, school, and in the workplace:** Jossey-Bass. Book.

Bowman, M., Flower, N., Machuga, J., Morris, M., Pasternak, A., & Raudenbush, B. (2001). **Motivational differences between group and individual athletic teams participating in intercollegiate and intramural sports**. Paper presented at the Journal of Sport & Exercise Psychology.

Crabbe, R. C. (2007). **Emotions in Sports.** Virginia Polytechnic Institute and State University.

Chin, W. W. (1998**). Commentary: Issues and opinion on structural equation modeling**: JSTOR.

Davari, A., & Reza Zadeh, A. (2013). **Structural equation modeling software PLS.** Publications SID. Tehran.

Doostdar, M., & Khaef, E. A. (2001). **Dimensions of emotional intelligence.** Journal of Management and Development. No, 18.

Finkenberg, M. E., Moode, F. M., & Dinnucci, J. M. (1998). **Analysis of sport orientation of female collegiate athletes**. Perceptual and motor skills, 86(2), 647-650.

Goleman, D. (1998). **Working with emotional intelligence:** Random House LLC.

Gill, D. L. (2000). **Psychological dynamics of sport and exercise**: Human Kinetics.

Gill, D. L., & Deeter, T. E. (1988). **Development of the sport orientation questionnaire**. Research Quarterly for Exercise and Sport, 59(3), 191-202.

Gardner, H. (2001). **Multiple Intelligences:The Theory in Practice**. Newyork: Basic book.

Henseler, J., Ringle, C. M., & Sinkovics, R. R. (2009). **The use of partial squares path modeling in international marketing**. Advances in international marketing, 20, 277-319.

Ilyasi, G., Sedagati, P., & Salehian, M. H. (2011). **Relationship between the Sport Orientation and Emotional Intelligence among Team and Individual Athletes**. Annals of Biological Research, 2(4), 476-481.

Jamshidi, A., Hossien, T., Sajadi, S. S., Safari, K., & Zare, G. (2011). **The relationship between sport orientation and competitive anxiety in elite athletes**. Procedia-Social and Behavioral Sciences, 30, 1161-1165.

Kajbafnezhad, H., Ahadi, H., Heidarie, A. R., Askari, P., & Enayati, M. (2011). **Difference between Team and Indyvidual Sports with Respect to Psychological Skills, Overall Emotional Intelligence and Athletic** of Basic and Applied Scientific Research **Success Motivation in Shiraz City Athletes**. Journal, 1(11), 1904-1909.

Lane, A. M., Meyer, B. B., Devonport, T. J., Davies, K. A., Thelwell, R., Gill, G. S., Weston, N. (2009). **Validity of the emotional intelligence scale for use in sport**. Journal of sports science & medicine, 8(2).

Mokhtari Pour, M. (2006). **The study of relationship between emotional intelligence and leadership theory.** Humanities and Social Sciences Research Letter, 21, 39-56.

Monacis, L., Estrada, O., Sinatra, M., Tanucci, G., & de Palo,V.(2013).**Self-determined Motivation, Sport spersonship, and Sport Orientation: A Mediational Analysis**. Procedia-Social and Behavioral Sciences, 89, 461-467.

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1394.2.1.1.3]

Noorbakhsh, B. Zarghami, M., & Hosni, S. (2006). **Compared to the individual and team sport athletes male and female students participating in the seventh Olympiad competitive sport and its relation to motivation.** The Journal Studies sports psychology. No. 30, 103-121.

Soltani Fard, b. Sharifi daramadi, B. And Askarian, M. (2008). **The relationship between perfectionism and emotional intelligence male athlete's city of Khorramabad**. Journal of Applied Psychology, (4): 626-635.

Seyed Ameri, M. Saeedi, SH. And Manafi, F. (2013). **The relationship between emotional intelligence and sport success team sport athletes Eleventh Olympiad students around the country.** Studies sports psychology, (4), 47-56.

Shabani Bahar, Gh. Jacobite, a., & Farooqi, h. (2010). **The relationship between emotional intelligence and athletic performance of athletes in Hamedan province**. Sports Science Research, 28, 81-92.

Wold, H. (1974**). Causal flows with latent variables: partings of the ways in the light of NIPALS modelling.** European Economic Review, 5(1), 67-86.

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1394.2.1.1.3]